عکس: مهدی حسنی، شرق

رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی

نتیجه حمایت روحانی از احزاب، موفقیت در انتخابات بود

یگانه خدامی: از احزاب و کنشگران سیاسی به‌عنوان پایه‌های نشاط و حرکت سیاسی در کشور یاد می‌شود، هرچند فعالیت احزاب سیاسی در ایران فرازونشیب زیادی داشته و دستخوش تغییرات مثبت و منفی بسیاری شده است. در چهار سال گذشته و پس از هشت سال سکوت احزاب شاهد فعالیت دوباره آنها بودیم و کنشگران فرصت تازه‌ای برای بیان نظرات، فعالیت سیاسی و تأثیرگذاری بر مردم پیدا کردند. با حجت‌الاسلام رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی، درباره شرایط جدید احزاب سیاسی در کشور و نحوه فعالیت آنها در چهار سال گذشته گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

تا پیش از سال ۹۲ و روی‌کارآمدن دولت یازدهم وضعیت فعالیت احزاب به چه صورت بود؟

احزاب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مسیر متفاوتی را دنبال کردند. ابتدا حزب جمهوری اسلامی با قدرت کارش را آغاز کرد و بعد احزاب دیگر فعالیتشان را شروع کردند، اما به دلیل مسائلی چون جنگ و شرایط سیاسی داخلی فعالیت آنها دچار رکود و حتی حرکتشان متوقف شد. در دوران اصلاحات احزاب دوباره قدرت گرفتند و از ناحیه دولت و مجلس حمایت شدند. تعدادی از احزاب در همان دوران مجوز گرفتند و یارانه و کمک‌های مختلف به آنها تعلق گرفت، اما دو دولت نهم و دهم با احزاب قطع رابطه کرد. درواقع جایگاه قانونی برای آنها قائل نبود و شنیده می‌شد که می‌گفتند ما به احزاب نیازی نداریم و به مراسم عزاداری، هیئت‌های مذهبی و پایگاه‌های بسیج اکتفا می‌کنیم. احزاب در این دوران به‌شدت مورد بی‌توجهی دولت قرار گرفتند و حرکتشان تا حد زیادی متوقف شد. تا جایی که تعداد زیادی از احزاب اعلام انحلال کردند یا جلو فعالیتشان گرفته شد. خانه احزاب که در دوران اصلاحات تأسیس شده بود به‌طورکلی تعطیل شد، اما از سال ۹۲ و پس از روی‌کارآمدن دولت آقای روحانی سیاست دولت بر تقویت احزاب بود و برای حمایت از احزاب کارهای زیادی انجام شد.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که در دولت آقای روحانی فعالیت احزاب روان‌تر شد. چطور این اتفاق افتاد؟

در دولت آقای روحانی دوباره از احزاب حمایت شد. وزیر کشور در دیداری به دبیران احزاب قول حمایت داد و دبیران مشکلاتشان را مطرح کردند. رئیس‌جمهور هر سال با دبیران احزاب جلسه دارد و گفت‌وگو می‌کند. یکی از کارهای خوب این دولت بازگشایی خانه احزاب بود. از همه احزاب فارغ از جبهه و جناحی که داشتند دعوت شد، دبیر انتخاب شد و امکاناتی به آنها تعلق گرفت. البته احزاب انتظار حمایت بیشتر مانند تخصیص یارانه و کمک‌های دیگر داشتند. درواقع به دلیل مسائلی که در وزارت کشور بود، احزاب نارضایتی‌هایی هم پیدا کردند چون معتقد بودند حمایت کامل انجام نشد.

چه مسائلی؟

ببینید نارضایتی به این دلیل شکل گرفت که احزاب انتظار داشتند وزارت کشور جلو موانع را بگیرد. گروه‌های فشار همچنان در این دوران مانع‌تراشی می‌کردند و احزاب انتظار داشتند وزارت کشور در برابر این مانع‌تراشی‌ها از احزاب حمایت کند. البته کارهای زیادی انجام شد که نباید آنها را نادیده گرفت و احزاب تا حدود زیادی مورد حمایت قرار گرفتند و امیدواریم حالا که آقای روحانی برای دومین‌بار رئیس‌جمهور شد، وزیر کشور صددرصد با او هماهنگ باشد و در زمینه توسعه سیاسی قدم بردارد.

چه رویکردی در دولت باعث شد هزینه‌های کنش سیاسی کاهش پیدا کند؟ یا درواقع چه رویکردی در دولت یازدهم تغییر کرد که این اتفاق افتاد؟

وقتی سیاست دولت بر بازکردن فضای سیاسی و تقویت آزادی بیان و قلم باشد، هزینه‌ها پایین می‌آید و کنشگران سیاسی و صاحب‌نظران آزادی و انگیزه بیشتری پیدا می‌کنند. درواقع هم می‌توانند نظراتشان را راحت بیان کنند و هم می‌دانند بعد از اظهارنظر تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند. پیش از این یا اجازه بیان نظرات به کنشگران داده نمی‌شد یا بعد از اظهارنظر دچار مشکل می‌شدند. درواقع به‌اصطلاح آزادی بیان شاید وجود داشت، اما آزادی پس از بیان نبود. بعد از هر موضع‌گیری‌ای شکایت می‌کردند و با کنشگران برخورد می‌شد. اما وقتی سیاست دولت مبتنی‌بر تحمل باشد و فضای سیاسی برای صاحب‌نظران باز باشد، طبیعی است که هزینه‌ها پایین می‌آید و احزاب و مردم انگیزه بیشتری پیدا می‌کنند که اظهارنظر کنند و فعالیت سیاسی داشته باشند.

نقش دستگاه‌های اجرائی مرتبط با سیاست داخلی در ایجاد ثبات و امنیت سیاسی و اجتماعی و کاهش هزینه رفتارهای سیاسی چیست؟

دو وزارتخانه کشور و اطلاعات، هم مسئول دفاع از امنیت کشور هستند و هم مسئول برخورد با عوامل ناامنی و عواملی که موجب بی‌اعتمادی مردم می‌شوند. این دو وزارتخانه باید خدمتگزار مردم باشند و تأمین امنیت کنند، اما نه با ایجاد فضای امنیتی. گاهی سعی می‌کنند امنیت را با ایجاد فضای پلیسی تأمین کنند که این صددرصد اشتباه است و موجب احساس ناامنی مردم می‌شود. این اشتباه در دولت‌های نهم و دهم هم وجود داشت و این ذهنیت باید اصلاح شود. باید فضا را برای مردم امن و آرام کنیم تا با آرامش زندگی کنند، نه‌اینکه بترسند. درواقع وزارت کشور، وزارت اطلاعات، پلیس، سپاه و بسیج خدمتگزار مردم هستند.

در گذشته به دلیل همان ذهنیت اشتباه می‌بینیم که گروه‌های فشار و قانون‌شکنان احساس امنیت می‌کردند، اما گروه‌های قانونی احساس ناامنی داشتند. دولت در خدمت مردم است، نه حاکم بر مردم. این تفکر امام (ره) و مقام معظم رهبری هم بوده و هست. دکتر روحانی هم چنین اندیشه‌ای دارد و برای همین شاهد بودیم که برای اولین بار وزیر اطلاعات با دبیران احزاب و کنشگران سیاسی دیدار کرد و نظرات آنها را جویا شد.

شما گفتید نارضایتی‌هایی از عملکرد وزارت کشور در زمینه احزاب وجود داشت. با توجه به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، چه تغییری باید در روند این وزارتخانه رخ دهد که فعالیت سیاسی در کشور عادی شود؟

باید مر قانون را پیدا کنند. قانون اساسی اجازه داده افراد بتوانند در فضای سیاسی جامعه اظهارنظر کنند. به همه گروه‌ها اجازه تجمع و برپایی راهپیمایی داده شده به شرط اینکه مخل امنیت نباشند. وزارت کشور باید این گروه‌ها و احزاب را هدایت کند نه اینکه با آنها برخورد کند. برخورد تأثیر منفی دارد. وزارت کشور باید فضای سیاسی را ایجاد و امنیت آن را تأمین کند و پلیس در خدمت آزادی مردم باشد. وزارت اطلاعات هم باید به دنبال کسانی باشد که تیشه به ریشه نظام می‌زنند نه کنشگران سیاسی و صاحبان قلم و اندیشه. در دولت احمدی‌نژاد، نیروهای سیاسی تحت فشار بودند و به آنها به چشم دشمن نگاه می‌شد. در صورتی که احزاب و کنشگران سیاسی جزء بدنه نظام هستند و اگر کنشگران فعال نباشند، فضای سیاسی معنا ندارد. قانون اساسی این فضا را به دقت ترسیم کرده اما اگر مشکلی برای ایجاد فضا وجود دارد، وزارت کشور و اطلاعات می‌توانند به مجلس لایحه بدهند و تقاضا کنند دست کنشگران سیاسی بازتر شود تا بتوانند نظراتشان را ابراز کنند. مجلس هم‌اکنون با دولت همراه‌تر است. چنین فضایی باعث ایجاد نشاط می‌شود. نشاط همین است که مردم و کنشگران سیاسی انگیزه داشته باشند و با اطمینان خاطر فعالیت کنند و این همان نشاطی است که دکتر روحانی درباره آن صحبت کرده است و حالا با پیروزی دوباره در انتخابات ریاست‌جمهوری، امید آن می‌رود که بتواند موفق‌تر عمل کند.

پیش از انتخابات پیش‌بینی موفقیت دکتر روحانی در انتخابات را داشتید. چقدر بهبود فضای کار حزبی و تشکیلاتی در این پیروزی تأثیر داشت؟

بله، من گفته بودم آرای دکتر روحانی در انتخابات ۹۶ نه‌تنها ریزش ندارد بلکه افزایش هم خواهد داشت. گلایه اقتصادی در همه دولت‌ها بوده است. حتما احزاب نقش مؤثرتری در این دوره ایفا کردند. البته اختلاف نظرهایی میان احزاب اصلاح‌طلب وجود داشت که طبیعی است. مثلا من هیچ‌گاه موافق معرفی شخص و نامزدی در کنار آقای روحانی در انتخابات ۹۶ نبوده‌ام، نظرم این بود افرادی را به صورت غیررسمی داشته باشیم تا چنانچه مسئله‌ای برای دکتر روحانی پیش آمد و ایشان به هر دلیلی نتوانست در انتخابات آینده شرکت کند، دست ما خالی نباشد. اما اینکه شخصی را به صورت رسمی در کنار ایشان مشخص و اعلام کنیم، صلاح نمی‌دانستم. با این حال انتخابات به شکل مناسبی پیش رفت و انصافا تشکل‌های اصلاح‌طلب هم فعال بودند. فضای فعالیت هم تا حد زیادی وجود داشت. احزاب باید توجه کنند گلایه‌های به‌حق یا ناحقی در سطح جامعه وجود دارد. شکوه اقتصادی لایه‌های مختلف اجتماعی در همه دولت‌ها وجود داشته است و این مسئله صرفا مربوط به دولت وقت نیست. با این حال احزاب توانستند بخشی از مشکلات دولت را هم برای مردم تشریح کنند. با این حال احزاب توانستند بخشی از مشکلات دولت را هم برای مردم تشریح کنند و بسیاری از مردم که شناخت کمی از آقای روحانی داشتند، در دور اول ریاست‌جمهوری فرصتی شد تا به تفکر، کمالات و همچنین ویژگی‌های مثبت ایشان پی ببرند. مردم متوجه تفاوت‌های فاحشی که در عملکرد دولت یازدهم و دولت سابق وجود دارد، هستند، به همین دلیل معتقد بودم رأی روحانی رو به فزونی است.

انتخابات به شکل مناسبی پیش رفت و انصافا تشکل‌های اصلاح‌طلب هم فعال بودند. احزاب باید توجه کنند گلایه‌های به‌حق یا ناحقی در سطح جامعه وجود دارد. شکوه اقتصادی لایه‌های مختلف اجتماعی در همه دولت‌ها وجود داشته است و این مسئله صرفا مربوط به دولت وقت نیست. با این حال احزاب توانستند بخشی از مشکلات دولت را هم برای مردم تشریح کنند

تشکل‌ها و احزاب اصلاح‌طلب، در این دوره از انتخابات، با چه روش‌هایی، فضای موجود را برای مردم ترسیم کردند؟

اصلاح‌طلبان در برنامه‌ها و تریبون‌هایی که در اختیار داشتند، به مردم اعلام کردند یک اندیشه حاضر در انتخابات، نماینده تفکری است که به کار جمعی و نظرات تشکل‌ها و صنوف بی‌تفاوت است و نوعی انحصارطلبی را دنبال می‌کند. اما یک اندیشه که اندیشه اصلاح‌طلبی است، می‌خواهد مردم آزادی داشته باشند و آزادانه انتخاب کنند و در شادی باشند. روحانی در این فضا نماینده تفکر و اندیشه آزادی‌خواهی است. از مردم خواستیم پای صندوق‌های رأی بیایند و پشت روحانی را خالی نکنند تا روحانی با آرای بالا انتخاب شود. همه اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان امیدشان به پیروزی روحانی بود چراکه می‌دانستیم اگر تفکر مقابل روحانی در انتخابات پیروز شود، به مراتب برای کشور ما شرایط سخت‌تر از آن هشت سال خواهد بود. به طور طبیعی یک حزب که دارای نیروهای ورزیده و بخش‌های مختلف و شناخت از جهان امروز است، نمی‌خواهد روابط بین‌الملل ما با کشورهای دیگر دوباره دچار خدشه شود، نمی‌خواهد آسایش مردم به‌هم بخورد. مردم می‌دانند اگر چنین شود وضعیت کشور ما به مراتب سخت‌تر از هشت سال دولت احمدی‌نژاد می‌شود. احزابی که به دنبال بهبود شرایط زندگی مردم هستند، نباید علاقه‌مند باشند کشور بار دیگر سیر نزولی داشته باشد و برای من عجیب است برخی احزاب اصولگرا چگونه چنین چیزی می‌خواستند؟ دیدیم که تلاش کردند با عوام‌فریبی حقانیت روحانی را بپوشانند اما دانشجویان و استادان و نخبگان در کنار فعالان سیاسی و البته اعضای دولت و شخص دکتر روحانی وظیفه روشنگری خود را به بهترین شکل انجام دادند. امید منتقدان روحانی به این بود که انتخابات به مرحله دوم کشیده شود. آنها می‌خواستند همان کاری را بکنند که با هاشمی در سال ۸۴ کردند.

اصلاح‌طلبان در برنامه‌ها و تریبون‌هایی که در اختیار داشتند، به مردم اعلام کردند یک اندیشه حاضر در انتخابات، نماینده تفکری است که به کار جمعی و نظرات تشکل‌ها و صنوف بی‌تفاوت است و نوعی انحصارطلبی را دنبال می‌کند. اما یک اندیشه که اندیشه اصلاح‌طلبی است، می‌خواهد مردم آزادی داشته باشند و آزادانه انتخاب کنند و در شادی باشند

به هر حال احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب شرایط نابرابری با رقیب خود دارند. درحالی‌که ما یک سالن برای برگزاری مراسم نداریم، در مساجد و مصلاها برای دیگر داوطلبان فرش قرمز پهن می‌کنند و دیدیم چرا روحانی مظلوم‌ترین رئیس‌جمهوری در تاریخ انقلاب است. ما باید با تقویت کار حزبی، به جایگاهی برسیم که انتقاد به شرایط موجود در چارچوب کارهای تشکیلاتی و انتخاباتی، به منصه ظهور برسد و قانون، محور همه فعالیت‌ها باشد.

نگاه

سرو ایران

محمدعلی عسگری

دکتر حسین نصر، اسلام‌شناس و ایران‌شناس برجسته توصیف زیبایی از ملت ایران دارد.

او می‌گوید ایران در طول تاریخ گذشته خود مانند یک سرو بوده است. سروی که گاه به دلایل ناملایمات سر خم کرده، اما هرگز تسلیم نشده و از پای در نیامده است. بعد از گذر توفان‌ها و بوران‌ها دوباره قد راست کرده و همواره بر پایه خود ایستاده است. فراموش نکنیم که سرو یکی از نمادهای دیرین ایران نیز هست. این تعبیر یا توصیف بسیار معنادار و هیجان‌انگیز است. تجربه سال‌های اخیر و تاریخ معاصر کشور ما نیز همین واقعیت را نشان می‌دهد. یک‌بار این سرو قد راست می‌کند و در قامت یک انقلاب ظاهر می‌شود. انقلابی که چشم جهانیان را خیره می‌کند و به حیرت وامی‌دارد. با وزیدن توفان یک جنگ تحمیلی، برای سال‌هایی این سرو به اجبار قد خم کرده و دستخوش حوادثی تلخ می‌شود. بعضی با دیدن این وضعیت به گمان آن می‌روند که دیگر کار این سرو تمام است. اما برخلاف تصورشان ناگهان می‌بینند که این سرو چگونه دوباره قد راست کرده و از ویرانه‌های یک جنگ خونین و پرهزینه برمی‌خیزد.

پس از آن نیز در سال‌های بعد، این سرو دستخوش توفان‌های سیاسی و ناملایمات متعددی شد. هر بار ناظران بیرونی یا حتی درونی با دیدن خمیدگی و پژمردگی‌اش به این تصور می‌افتند که این ضربه سهمگین کار سرو را یکسره خواهد کرد؛ اما بعد دوباره شاهد آن خواهند بود که سرو با صبوری دوباره کمر راست کرده و برپای خود می‌ایستد.

دوران هشت ساله حاکمیت پوپولیست‌ها بر ایران یکی از همین دوران‌های توفان‌زا بود که یک بار دیگر سرو ما را مجبور کرد سر خم کند. چهره افسرده‌اش در آن دوران خیلی‌ها را می‌آزرد. حتی گروهی را به این فکر انداخت که دوران استواری و خوشبختی این ملت گذشت. کم نبودند فرزندان این آب و خاک که به‌همین‌دلیل رخت اقامت به دیار بیگانه کشیدند، زیرا جز آینده‌ای مبهم، برای این سرو نمی‌دیدند. اما دیدیم که این سرو دوباره قد راست کرد. از بیتوته خود برخاست و استوار و مستقیم در قامت یک انتخابات شگفت‌انگیز چشم جهانیان را به خود خیره کرد. راه دوری نرویم، تا همین چند روز پیش تلاطمی شگفت‌انگیز پیرامون این سرو را فراگرفته بود. بادهایی ملایم و ناملایم می‌وزید. ستیغ سرو هر لحظه سر به سویی می‌کشید؛ گاه به راست و گاه به چپ خمیده می‌شد. در وزش بادهای تند موج برمی‌داشت و به خود می‌پیچید. گاه نسیمی زهرآگین و مسموم‌کننده برگ‌های سبز و نازکش را می‌آزرد. اما در صحنه انتخاباتی تازه یک بار دیگر سرو سرسبز ایران قامت آراست. زیبا و دست‌نایافتنی شد. روشن است که اینها هرگز پایان ماجرا نخواهد بود. سرو ایران می‌داند هنوز توفان‌ها و بوران‌های دیگری در راه است. بادهای موسمی یا غیرموسمی دیگری خواهند وزید. اساسا زندگی ابدی در همین ستیز با توفان‌هاست. سرو ایران قدمتی هزاران ساله دارد و میراث تمدنی کهن را با خود حمل می‌کند. برای استقامت و پایداری بیشتر این سرو کارها باید کرد و کار را تمام شده فرض نکرد. کاش این را هرگز فراموش نکنیم.

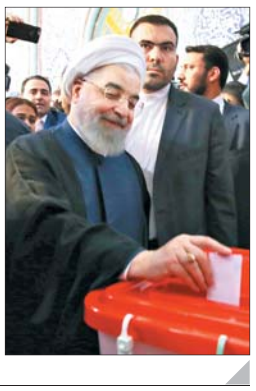

زاویه

مهار تخلفات اداری؛ خواسته مردم از روحانی

محمد کریمی . متخصص برنامه‌ریزی توسعه

براساس اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی، نظام اقتصادی کشور بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. اما در عمل یک بخش دیگر نیز در اقتصاد کشور حضور یافت که به تدریج با تأسیس شرکت‌های عدیده که از هزار هم تجاوز می‌کند، سهم آن بسیار پررنگ شد که موسوم به «بخش عمومی غیردولتی» است و به اتفاق «بخش دولتی»، «بخش عمومی» را تشکیل می‌دهند. شهرداری‌ها، نهادهای انقلابی، سازمان تأمین اجتماعی و... از جمله زیرمجموعه‌های «بخش عمومی غیردولتی» به شمار می‌آیند.

متأسفانه یک بخش خصوصی ملی توانمند و بالنده هرگز نتوانست در کشور پا بگیرد که مهم‌ترین دلیل آن دیوان‌سالاری و رقیب‌پنداری بخش خصوصی در بخش دولتی است. از دولت پنجم به بعد اقدام به تشکیل قارچ‌گونه شرکت‌های دولتی شد. پس از به‌بیراهه‌رفتن خصوصی‌سازی (اصل ۴۴ قانون اساسی) در اجرا، بخش اعظم سهام این شرکت‌ها به شرکت‌های بخش عمومی غیردولتی واگذار و البته بخشی نیز در بورس به مردم عرضه شد، اما بخش عمومی هرگز عنان مدیریت این شرکت‌ها را رها نکرد. این‌گونه شرکت‌ها به شرکت‌های «شبه‌دولتی» مشهور شده‌اند که به مزاح به آنها «خصولتی» نیز می‌گویند. این شرکت‌ها نه انضباط بخش دولتی را دارند و نه مدیریت کارآمد بخش خصوصی را و مانند سمی مهلک در شریان اقتصادی کشور جاری شدند و مفاسد اقتصادی کلان که هرازچندگاه در این شرکت‌ها سر باز می‌کند، شاهد این مدعاست. نظر به اینکه بخش دولتی و شبه‌دولتی متجاوز از ۸۰ درصد سهم را در اقتصاد کشور دارند و حیات ممات آنها کمتر از ۲۰ درصد باقی‌مانده خصوصی نیز وابسته و در گرو چگونگی تعامل با بخش دولتی است؛ کالبدشکافی مفاسد در شرکت‌های شبه‌دولتی و عدم موفقیت دستگاه‌های نظارتی در برخورد با این مفاسد از اهمیت بالایی برخوردار است. از این‌رو در این مقال به‌طور نمونه به تشریح مفاسد در یکی از این شرکت‌ها پرداخته می‌شود.

شرکت «س.ص.ب» در سال ۱۳۷۵ از سوی «ب.م.ج.ا.ا» تأسیس شد و سهام‌داران عمده شرکت همین دستگاه و شرکت‌های دولتی فعال در صنعت تحت نظارت آن بودند. این شرکت دارای چهار شرکت زیرمجموعه به نام‌های شرکت «ت.و.ع.ب»، شرکت «خ.م.م.ا»، شرکت «ب.ص.ب.ا» و شرکت «ر.ب» است که همواره در نقش حیاط خلوت «ب.م» عمل کرده‌اند. اما این نقش در دولت‌های مختلف و بسته به مدیریت عالی «ب.م» پررنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر شده که البته اوج آن در دوره هشت‌ساله دولت گذشته اتفاق افتاد. در تمامی شرکت‌های زیرمجموعه یادشده علاوه بر شرکت «س.ص.ب»، شرکت‌های فعال در صنعتی که «ب.م» وظیفه نظارت بر آنها را دارد، دارای سهام عمده هستند.

این شرکت درحال‌حاضر یک شرکت سهامی عام است که به یمن سیاست‌های خصوصی‌سازی، در سال ۱۳۹۴ با بازی‌های بورسی اکثریت در هیئت‌مدیره شرکت از ید «ب.م» خارج شد و درحال‌حاضر سهام‌داران عمده این شرکت عبارت‌اند از «ب.م» و صندوق بازنشستگی آن، شرکت «س.آ.د» (۶۶ درصد سهام آن متعلق به «ب.ص.م» و ۲۰ درصد سهام آن متعلق به یک شرکت زیرمجموعه آن است)، شرکت «س.ک.م» و شرکت «ب.ا». جالب اینکه مدیریت این شرکت با چنین ترکیب سهام‌دارانی، خود را خصوصی و غیرپاسخ‌گو به نهادهای نظارتی می‌داند و به طور مطلق‌العنان عمل می‌کند و در سالی که با شعار اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال شروع شده، به جای تلاش در فعالیت‌های مولد، همه همت خود را معطوف به فروش دارایی‌هایش کرد و نیمی از کارکنان خود و تمامی کارکنان شرکت «ب.ص.ب.ا» را تعدیل کرد!

البته اخیرا فردی با هدفی درخورتأمل اقدام به جمع‌آوری سهام خرد شرکت در بازار بورس کرده که موجب افزایش قیمت سهام بدون خریدار این شرکت زیان‌ده در بورس شده است! باید منتظر ماند و دید این افزایش قیمت در آینده موجب نفع چه کسانی می‌شود و خریداران و فروشندگان عمده آتی چه کسانی خواهند بود و هدف فرد خریدار مذکور چه ارتباطی با فروش دارایی‌های شرکت خواهد داشت؟ زیرا به‌طور مثال ارزش دفتر مرکزی شرکت واقع در نزدیکی بلوار میرداماد، تنها حدود متری سه میلیون تومان در دفاتر ثبت شده که با ارزش واقعی آن (حداقل متری ۱۲ میلیون تومان) تفاوت فاحش دارد. همچنین نحوه تعامل این شرکت با «ب.م» درخصوص تسویه بدهی‌هایش به این دستگاه که مذاکراتش در قالب تهاتر با برج‌های نیمه‌کاره واقع در منطقه ۲۲ در جریان است، تأثیر بسیاری بر ارزش ویژه و همچنین ارزش سهام شرکت بر جای خواهد گذاشت. لازم به ذکر است که این برج‌ها مدت‌هاست به دلیل اختلافات عمیق با شریک سازنده، راکد مانده و توجیه اقتصادی خود را از دست داده است. از ابتدای تأسیس قرار بود شرکت «س.ص.ب» مانند یک هلدینگ عمل کند و به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دیگر زیرمجموعه بپردازد. قلمرو هر یک از شرکت‌های زیرمجموعه نیز فعالیت تخصصی در زمینه‌های احداث ساختمان، مشاوره ساختمانی، بازرگانی و بورس تعریف شده بود. اما در عمل این‌گونه پیش نرفت، شرکت مادر خود اقدام به مشارکت با بخش خصوصی در برج‌سازی کرد. شرکت‌های زیرمجموعه نیز عمدتا به مشارکت با بخش خصوصی در احداث مجتمع‌های مسکونی و تجاری و نیز واسطه‌گری مالی (مضاربه) پرداختند. جالب اینکه در تمامی معاملات این شرکت‌ها، کمتر می‌توان یک معامله سالم با افراد خوش‌نام یافت و مشارکت‌ها و مضاربه‌ها عمدتا در قالب قراردادهای یک‌طرفه‌ای انجام شد که منجر به اتلاف سرمایه‌های بیت‌المال شد و این شرکت‌ها را به ورشکستگی کشاند. اما تا همین اواخر این شرکت‌ها با ارائه صورت‌های مالی غیرواقعی (ثبت مطالبات معوق به‌عنوان درآمد، عدم ذخیره‌گیری برای مطالبات مشکوک‌الوصول و...) سودهای موهوم کاغذی نشان می‌دادند که براساس آن هم هیئت‌مدیره پاداش می‌گرفت و هم ۲۰ درصد آن را مالیات می‌پرداختند.

دو برج تجاری در منطقه ۲۲، یک مجتمع تجاری در یافت‌آباد، یک مجتمع تجاری در خیابان جمهوری که همگی بر اثر اختلاف بین شرکا مدت‌هاست نیمه‌کاره رها شده‌اند؛ از جمله فعالیت‌های سودآور! ساختمانی این مجموعه است. اغلب ساختمان‌سازی‌های به بهره‌برداری رسیده نیز دارای ماجراهای طولانی تا اتمام بوده‌اند. اکثر قراردادهای مضاربه هم صوری و با افراد خاص بوده که اغلب آنها منجر به ازبین‌رفتن سرمایه شرکت‌ها شد. اما متأسفانه هیچ اثری از دستگاه‌های رنگارنگ نظارتی در برخورد با این همه تخلفات نمی‌توان یافت که دلایل عمده آن هم خصلت «شترمرغی» شرکت‌های شبه‌دولتی و عدم شفافیت قوانین و مقررات مربوطه است و هم کوتاهی و ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی. البته در این میان نمی‌توان از برقراری ارتباطات غیررسمی میان این‌گونه شرکت‌ها با دستگاه‌های نظارتی غافل ماند.

ادامه در صفحه ۱۱